



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات ارتقائی - مرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

پایه :	۹	موضوع :	فلسفه ۲
تاریخ :	۸۸/۵/۲۰	ساعت :	۱۶

نام کتاب: نه‌ایة الحکمة، از اول کتاب تا پایان مرحله هفتم

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

- حقیقة الوجود ج ۱۶ متوسط
 أ. حیثیة تعلیلیة فی کلّ حمل ماهویّ
 ب. ما یلحق الوجود من الصفات امور خارجة عن ذاته
 ج. تمتنع ان تحلّ الذهن
 د. لها صورة عقلیة کالماهیات الموجودة فی الخارج
- الضرورة الذاتیة هی کون المحمول ضروریاً للموضوع ج ۴۶ متوسط
 أ. لذاته بسبب الغیر
 ب. لذاته بالوجود
 ج. لذاته مع الوجود لا بالوجود
 د. بالوجود و مع الوجود
- مراد از ماده بودن نفس نسبت به صور معقوله چیست؟ د ۱۰۲ فنی
 أ. نفس مجرد، قوه و استعداد قبول صور معقوله را دارد
 ب. نفس بواسطه حرکت متلبس به صور معقوله می‌شود
 ج. نفس محل صور معقوله است
 د. اشتداد وجود مجرد نفس بدون تغیر مادی و اتحاد او با عقول فوقش
- مقوله این در «الکون فی المكان» و «الکون فی الهواء» و «کون هذا فی هذا الوقت» به ترتیب عبارت است از ج ۱۳۱ متوسط
 أ. شخصی - نوعی - جنسی
 ب. شخصی - جنسی - نوعی
 ج. جنسی - نوعی - شخصی
 د. نوعی - جنسی - شخصی

تشریحی:

- مقصود از اصالت وجود و اعتباریت ماهیت چیست؟ دلیل اصالت وجود را توضیح دهید. ۱۰ متوسط
 اصالت وجود یعنی آنچه بالذات و بدون واسطه در عروض و مجاز موجود است حقیقت وجود است و اعتباریت ماهیت یعنی انتساب وجود به ماهیت انتساب الی غیر ما هو له و مجازی و بخاطر اتحادش با وجود، موجودیت وجود به او نیز مجازاً اسناد داده شده است.
 دلیل: عقل از هر شیء دو مفهوم چیستی و هستی اخذ می‌کند این دو هر دو ما به ازاء ندارند و الا یک شیء دو شیء می‌شود پس یکی از آنها باید مصداق حقیقی داشته باشد و آن مفهوم وجود است چون با اضافه شدن او به ماهیات آنها دارای حقیقت می‌شوند پس خود او اولی به حقیقت داشتن است.

- برهانی بر اثبات وجود ماده (هیولی) اقامه کنید. ۹۹ فنی

در هر جسمی دو جهت به تحلیل عقلی قابل تشخیص است: یک جهت که فعلیت جسم به آن است و آن همان صورت جسمیه یعنی جوهر قابل ابعاد ثلاثه است و جهت دیگر این که در جسم قابلیت پذیرش کمالات اولیه (= صور نوعیه) و کمالات ثانویه (= اعراض خارجیه) هست و این حیثیت دوم، غیر از اولی است و فقط قوه و پذیرنده است؛ لذا نمی‌تواند با حیثیت اول که منشأ فعلیت است متحد باشد لذا در جسم علاوه بر صورت جسمیه امور دیگری که حیثیتش صرف قوه باشد ضروری است و آن همان «ماده یا هیولی» است.

- مضاف حقیقی و مضاف مشهوری را با مثال تعریف کنید. ۱۲۷ متوسط

مضاف حقیقی همان نفس مقوله اضافه است و مضاف مشهوری مجموع موضوع اضافه و خود اضافه را گویند و مثال آن زیدی است که فرزند عمرو است یعنی هم زید بما هو انسان و هم اضافه او به پدر.

۴. با توجه به عبارت «العلم الذى هو من الكيف مختص بذوات الأَنْفَس. وأما المفارقات فعلمها حضورية غير حصولية» مقصود از «ذوات انفس»

چیست؟ تفاوت علم ذوات انفس با علم مفارقات را بیان کنید. ۱۲۳ متوسط

موجودات مادی ای که دارای نفس باشند مثل انسان، حیوان، فلک و ... - همیشه علوم مفارقات، حضوری است اما علم نفس می تواند حصولی باشد. لذا اینکه می گویند علم، کیف است فقط مربوط به علم ذوات انفس است.

۵. تشکیک در حقیقت وجود یعنی چه؟ مقصود از کلمه «کالمؤلفه» در عبارت «المرتبة الضعيفة كالمؤلفة من وجدان وفقدان» چیست؟ ۱۹ فنی
وجود حقیقی است که در عین وحدت، کثرت دارد و ما به الامتیاز در آن به ما به الاشتراک رجوع می کند. به عبارتی، وجود یک حقیقت است لکن دارای مراتب شدید و ضعیف می باشد.

مقصود از کالمؤلفه: این است که مرتبه ضعیفه وجود، این گونه نیست که از وجود باضافه ضعف ترکیب شده باشد بلکه ضعفش نیز از سنخ خود وجود است نه این که عدم و فقدان در آن راه یافته باشد. خلاصه حقیقتاً ضعف از خود وجود است و حاصل از ترکیب شدن وجود با ضعف نیست، همچنان که قوت و شدت وجود شدید، از خود وجود است نه حاصل از ترکیب وجود و شدت.

۶. دو مورد از تفاوت های امکان استعدادی با امکان خاص را بیان نمایید. ۴۷ متوسط

امکان استعدادی صفتی وجودی است و امکان خاص اعتبار عقلی.

موضوع امکان استعدادی ماده موجوده است و موضوع امکان خاص، ماهیت من حیث هی هی.

امکان استعدادی با حصول مستعد له باطل می شود ولی امکان خاص پس از وجود یافتن باطل نمی شود.

امکان استعدادی قابل اتصاف به شدت و ضعف است بخلاف امکان خاص.

۷. با توجه به عبارت «لا يقال: لو كان هناك هيولى هي استعداد وقوة جوهرى و جزء للجسم لبطلت بتحقق المستعد له. فإنه يقال: تبطل القوة المتعينة

والاستعداد الخاص والمادة على ما هي عليه من كونها قوة على الصور الممكنة» اشکال منکرین وجود ماده یا همان هیولی و جواب آن را بنویسید.

حاصل اشکال این است که اگر در جسم هیولی باشد که او موضوع استعداد است. استعداد با تحقق مستعد له باطل می شود و لذا جسم نیز بانتفاء جزئش باطل می شود.

جواب علامه این است که آن استعدادی که با تحقق مستعد له از بین می رود استعداد خاصی است که با تحقق مستعد له خاص (مقوی علیه خاص) از بین می رود و اما آن اصل استعداد در هیولی هنوز باقی می ماند.

۸. آیا حقیقت وجود می تواند در ذهن حلول کند؟ توضیح دهید. ۳۹ متوسط

خیر؛ چون هر چه در ذهن می آید باید فاقد اثر خارجی باشد ولی اثر خارجی داشتن عین حقیقت وجود است و لذا اگر بخواهد حقیقت وجود در ذهن بیاید می بایست ذاتی اش از او سلب شود و هذا محال.

* «لا يقال: المادة واحدة بالعدد وصورة ما واحدة بالعموم والواحد بالعدد أقوى وجوداً من الواحد بالعموم ... فإنه يقال: وحدتها ضعيفة لكونها محض القوة، و وحدة الصورة - وهي شريكة العلة التي هي المفارق - مستظهرة بوحدة المفارق».

۹. اشکال و جواب فوق را که درباره علیت صورت نسبت به ماده است، توضیح دهید. ۴-۱۰۳ متوسط

تقریر اشکال: ماده واحد بالعدد و شخصی است چون تعدد در ماده راه ندارد ولی وحدت صورت وحدت بالعموم است زیرا علت ماده یک صورت مشخص نیست بلکه صورت ما است اگر صورت علت ماده باشد لازم می آید اضعف وجوداً علت اقوی وجوداً باشد و این محال است.

تقریر جواب: صورت اگرچه واحد بالعموم است اما چون در حقیقت صورت با یک علت مجرد دیگری با هم علت برای وجود ماده اند پس ضعف وحدت او با آن علت مجرد جبران می شود و ماده نیز اگرچه وحدتش بالعدد است اما چون خودش صرف قوه است وحدت عددی او نیز وحدتی ضعیف است. خلاصه صرف بالعدد و بالعموم بودن ملاک قوت و ضعف نیست.